

مقایسه رضایت زناشویی، تعارض زناشویی و بخشش در زوجین عادی و در حال طلاق

Compare marital satisfaction, marital conflict and forgiveness in ordinary couples in divorce

Adel Zahd Babolan

Maream Hosseini Shorabeh

Marzeh Peri Kamrani

Fateme Dehghan

عادل زاهد بابلان *

مریم حسینی شورابه **

مرضیه پیری کامرانی ***

فاطمه دهقان ****

Abstract

This study compared the marital satisfaction, marital conflict and forgiveness in ordinary couples in divorce. The method of this study, causal - comparative and sample consisted of 75 normal and 75 couples had divorced couple that is the sampling method were selected. The instrument used for data collection questionnaire Sanaee marital conflict, marital satisfaction (Enrich) and interpersonal forgiveness EHTESHAM was born and colleagues. In analyzing the data, the frequency, mean and standard deviation for the results of descriptive and multivariate analysis of variance and t-sample (Manova) was used for analytical findings. Results: The results showed that the mean total relief t-sample is the significant relationship. Multivariate analysis of variance (MANOVA) showed a significant difference between the two groups is statistically significant is divorce. According to the statistics ($001/0 > p$), thus there where between mean scores of two groups: normal and is divorced couples in marital satisfaction, marital conflict and forgiveness, there are also significant differences in Mvlfh→ family strength between the ordinary couples in divorce due to the significant level ($001/0 > p$) there are significant differences. Also in the relief components between the normal and the couple are divorcing, according to a significant level ($001/0 > p$) a significant difference was observed. The results showed that normal in terms of marital satisfaction, marital conflict and divorce is the gift of more-more of the components are common in couples greater family stability and relief components of the couple are divorcing is.

Keywords: marital satisfaction, marital conflict, forgiveness, couples

چکیده

این پژوهش با هدف مقایسه رضایت زناشویی، تعارض زناشویی و بخشش در زوجین عادی و در حال طلاق بود. روش این پژوهش، از نوع علی - مقایسه‌ای است و حجم نمونه شامل ۷۵ زوج عادی و ۷۵ زوج در حال طلاق می‌باشد که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار پژوهش: برای جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه تعارض زناشویی ثنائی، رضایت زناشویی (این‌ریچ) و بخشودگی بین فردی احتشام زاده و همکاران استفاده شد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد برای یافته‌های توصیفی و t تک نمونه‌ای و تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) برای یافته‌های استنباطی استفاده شد. یافته‌ها: نتایج t تک نمونه‌ای نشان داد که میانگین کل بخشودگی زناشویی معنی‌دار می‌باشد. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) نشان می‌دهد که تفاوت میانگین دو گروه عادی و در حال طلاق از نظر آماری معنی‌دار است. با توجه به مقدار آماره ($001/0 > p$), نتیجه می‌گیریم که بین میانگین نمرات دو گروه زوجین عادی و در حال طلاق در متغیرهای رضایت زناشویی، تعارض زناشویی و بخشش تفاوت معنی‌داری وجود دارد همچنین در مؤلفه‌های استحکام خانواده بین میانگین زوجین عادی و در حال طلاق با توجه به سطح معنی‌داری ($001/0 > p$) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین در مؤلفه‌های بخشودگی بین میانگین زوجین عادی و در حال طلاق با توجه به سطح معنی‌داری ($001/0 > p$) تفاوت معنی‌داری مشاهده شد. نتایج نشان داد که: گروه عادی از لحاظ متغیرهای رضایت زناشویی، تعارض زناشویی و بخشش بیش‌تر از گروه در حال طلاق می‌باشد و مؤلفه‌های استحکام خانواده و مؤلفه‌های بخشودگی از زوجین عادی بیش‌تر از زوجین در حال طلاق است.

واژگان کلیدی: رضایت زناشویی، تعارض زناشویی، بخشش، زوجین.

* . دانشیار دانشگاه محقق اردبیلی

** . کارشناس ارشد مشاوره خانواده

*** . دانشجوی دکترا مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی

**** . کارشناس ارشد روان شناسی عمومی (نویسنده مسئول)

مقدمه

خانواده، سنگ بنای جامعه بزرگ انسانی است و در استحکام روابط اجتماعی و رشد تک تک افراد جامعه، نقش مهمی دارد. تلاش برای استحکام خانواده و سلامت آن، زمینه سلامت و سعادت عمومی را فراهم می‌سازد. چگونگی روابط و دادوستد عاطفی اعضای خانواده به‌ویژه زن و شوهر از مهم‌ترین شناسه‌های سلامت و موفقیت خانواده و یا ضعف و ناکارآمدی آن است. دستیابی به این هدف (استحکام خانواده)، نیازمند کوشش زن و شوهر و شناسایی عوامل تحکیم روابط و موانع آن است (نوری، ۱۳۸۹). در اینجا منظور از استحکام خانواده دو مؤلفه‌ی رضایت زناشویی و عدم تعارض زناشویی می‌باشد. عوامل مختلفی بر استحکام و دوام خانواده تأثیر می‌گذارند که از جمله آن‌ها بخشش میان زوجین است.

بخشش، دیگر گزینه‌ی مطرح در این زمینه است. بخشودن طرف مقابل برای تخطی‌ها و تخلف‌هایی که صورت داده یک وسیله قوی و توانمند برای خاتمه دادن به یک رابطه‌ی مختل شده یا دردناک می‌باشد و شرایط را برای آشتی و مصالحه با فرد خطاکار را به‌وجود می‌آورد (فینچام، ۲۰۰۴).

در یکی از معتبرترین تعاریف بخشودگی به‌عنوان «تغییر میان‌فردی و اجتماعی مثبت در مقابل خطایی که در حوزه میان‌فردی قرار دارد» (آلمند، امبرگ، زیمریچ و فیچام، ۲۰۰۷؛ فینچام، هال و بیچ، ۲۰۰۶؛ لیچ و لارک، ۲۰۰۴ و ورثینگتون، ۲۰۰۵) این تعریف به تغییراتی اطلاق می‌شود که می‌تواند تنها دربرگیرنده‌ی کاهش در حساسیت منفی و یا دربرگیرنده‌ی کاهش احساسات منفی همراه با افزایش احساسات مثبت باشد. در هر دو صورت این تغییر یک تغییر مثبت اجتماعی است که هدفش ایجاد تعاملات اجتماعی مثبت‌تر است. بخشودگی عبارت از ویژگی‌ای است که در اثر آن شخصی که در روابط بین‌فردی مورد آزار یا آسیب (مانند اهانت یا خیانت) قرار گرفته است خطای فرد خاطی را می‌بخشد. بدین ترتیب فرصتی دوباره برای جبران خطا به فرد خاطی داده می‌شود تا بتواند دوباره اعتمادسازی نماید (مک کالو و ویتولیت، ۲۰۰۱؛ به‌نقل از مالتی، وود، دی و کان، ۲۰۰۸).

بخشش واکنشی است که اجازه می‌دهد، با وجود اشتباهات، خیانت‌ها یا شکست‌ها رابطه ادامه یابد (فینچام، ۲۰۰۰). گوردون^۲ (۲۰۰۰) مطرح کرد که بخشش در موقعیت‌هایی که تعهدات زناشویی یا استانداردهای رابطه زیر پا گذاشته می‌شود، اهمیت دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بین بخشش و رضایت از زندگی رابطه وجود دارد (ترز، ماری، وینسونو، گنوايو، نوت، فیلپو و همکاران، ۲۰۰۳).

پژوهش‌های زیادی اثربخشی مداخله بخشودگی بر ابعاد مختلف رابطه زناشویی و از آن جمله اثربخشی مداخله بخشودگی بر تعارض زناشویی را مورد بررسی قرار داده‌اند. برای نمونه، فینچام، پلیری و رگالیا (۲۰۰۲) در پژوهشی به بررسی نقش روابط زوجین بر ارتقاء سطح بخشودگی توسط آنان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین کیفیت روابط و بخشودگی رابطه وجود دارد و هم‌دلی، بخشودگی مردان را و اسناد مسئولیت، بخشودگی زنان را پیش‌بینی می‌کند. هم‌چنین فینچام و بیچ (۲۰۰۲) در پژوهش دیگری به این نتیجه رسیده‌اند که بخشودگی در زوجین، کیفیت مراقبت از

یکدیگر، ارتباط، پرخاشگری و رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. شاکلفورد، بسر و گوئتز (۲۰۱۰) نشان دادند که درک همسر با رضایت زناشویی و کاهش اثرات استرس رابطه‌ی مستقیم و مثبت دارد. باباپور خیرالدین (۱۳۹۰)، به تعیین اثر بخشی درمان شناختی - رفتاری بر افزایش رضایت و صمیمیت زناشویی زوجین جانباز شیمیایی پرداختند. نتایج نشان داد که آموزش درمان شناختی - رفتاری، به‌طور معناداری میزان رضایت و صمیمیت زناشویی را در گروه آزمایشی افزایش داد.

با وجود آمار زیاد طلاق تعجب‌آور نیست که دانشمندان علوم اجتماعی مشتاقانه در پی پاسخ به این سؤال هستند که «راز ماندگاری زوجها چیست؟» پژوهش‌ها تأکید دارند عدم صمیمیت زناشویی و تعارض زناشویی مخرب، از جمله خطرناک‌ترین عوامل در بیشتر اختلالات و آسیب‌های روان‌شناختی به حساب می‌آیند (از جمله کوی، وات، وست، هاوکینز، آسارنو، مارکمن و همکاران، ۱۹۹۳). با این وجود معدود پژوهش‌هایی به مقایسه این سازه‌ها در زوجین عادی و در حال طلاق پرداخته‌اند.

حال آن‌که با توجه به مطالب مطرح شده در بالا، پژوهش‌گر درصدد آن است که به این سؤال اساسی پاسخ دهد که: آیا تفاوتی میان زوجین عادی و در حال طلاق از لحاظ گذشت و استحکام خانواده وجود دارد؟

روش

تحقیق حاضر، پیرو طرحی از نوع علی - مقایسه‌ای می‌باشد که در آن به مقایسه متغیرهای گذشت و استحکام خانواده در دو گروه زوجین عادی و در حال طلاق پرداخته است. جامعه‌ی آماری، شامل کلیه‌ی زوجین دارای زندگی عادی و در حال طلاق شهر کرمانشاه از آذر تا اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۲ می‌باشد. با توجه به این که مقایسه بین دو گروه مدنظر بوده است، در کل ۷۵ زوج، نمونه مربوط به زوجین در حال طلاق و ۷۵ زوج، مربوط به زوجین عادی مورد بررسی قرار گرفتند. زوجین عادی به‌صورت در دسترس و همگن با زوجین در حال طلاق از لحاظ سن، میزان تحصیلات، شغل، تعداد فرزند و مدت ازدواج انتخاب شدند. به‌منظور جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز این پژوهش از پرسش‌نامه‌های تعارضات زناشویی و رضایت زناشویی اینریچ برای گردآوری داده‌های استحکام خانواده، و پرسش‌نامه صمیمیت زناشویی تامپسون و پرسش‌نامه بخشودگی احتشام زاده و همکاران استفاده شد. داده‌های به دست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS19 و روش‌های آماری فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد برای یافته‌های توصیفی و t تک نمونه‌ای و تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

ابزار

پرسش‌نامه‌ی تعارضات زناشویی. در سال ۱۳۷۵ بر اساس تجارب بالینی در ایران ساخته شده است. این پرسش‌نامه ۴۲ سؤالی است و برای سنجش تعارض‌های زن و شوهری استفاده می‌شود. این پرسش‌نامه هفت بُعد از تعارضات زناشویی را می‌سنجد که عبارتند از: کاهش همکاری، رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان و جدا کردن امور مالی از یکدیگر. ضریب پایایی برای کل پرسش‌نامه از طریق آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه ۰/۵۳ و ۰/۸۰ و از طریق بازآزمایی ۰/۹۲ و برای ۷ خرده‌مقیاس آن از این قرار است: ۰/۷۳، ۰/۶۰، ۰/۷۴، ۰/۸۱، ۰/۶۵، ۰/۸۱ و ۰/۶۹ به-

دست آمده نمايان گر پايابي مناسب آن در جامعه ايراني مي باشد و هم چنين ضريب پايابي در پژوهش اينجانب براي كل پرسش نامه ۰/۹۷ و براي خرده مقياس هاي آن به ترتيب ۰/۹۴، ۰/۹۱، ۰/۹۵، ۰/۸۷، ۰/۹۴، ۰/۶۳، ۰/۶۸ و ۰/۶۸ شد كه اين پرسش نامه از روايي محتوايي خوبي برخوردار است.

پرسش نامه رضاييت زناشويي. اين پرسش نامه به عنوان يك ابزار تحقيق معتبر در تحقيقات و كارهاي باليني متعدد مورد استفاده قرار گرفته است. فورز و السون (۱۹۹۲) با استفاده از نمونه گيري تصادفي در تحقيق ملي با ۵۰۳۹ زوج نشان دادند كه با استفاده از اين پرسش نامه مي توان با دقت ۸۵-۹۵ درصد بين زوجين خرسند و ناخرسند تمايز قائل شد. اين پرسش نامه ابعاد نقش هاي زن و مرد، ازدواج و فرزندان و مسائل زوجين، رضاييت زناشويي، مسائل شخصي، اوقات فراغت با دوستان و اقوام و روابط جنسي را مي سنجد.

اين پرسش نامه توسط ثنائي و همكاران ترجمه شد. پرسش نامه زوجي اينريچ توسط ديويدي السون و امي السون در سال ۲۰۰۰ روي ۲۵۵۰۱ زوج متأهل اجرا شد. اين مقياس يك اندازه گيري كلي از روابط زناشويي شامل تحريف آرماني^۱، رضاييت زناشويي^۲، مسائل شخصي^۳، ارتباطات^۴، حل تعارض^۵، مديريت مالي^۶، فعاليت هاي اوقات فراغت^۷، رابطه جنسي^۸، فرزندان و فرزندپروري^۹، خانواده و دوستان^{۱۰}، نقش هاي مساوات طلبي مربوط به زن و مرد^{۱۱}، جهت گيري مذهبي^{۱۲}، همبستگي زوج ها^{۱۳} و تغييرات زناشويي^{۱۴} را شامل مي شود. مقياس هاي اين پرسش نامه شامل: تحريف آرماني، رضاييت زناشويي، ارتباطات، حل تعارض مي باشد. اين پرسش نامه در سال ۲۰۰۰ روي ۲۵۵۰۱ زوج متأهل اجرا شد. ضريب آلفاي پرسش نامه براي خرده مقياس هاي رضاييت زناشويي، ارتباط، حل تعارض و تحريف آرماني به ترتيب از اين قرار است ۰/۸۶، ۰/۸۰، ۰/۸۴، ۰/۸۳ و اعتبار بازآزمائي پرسش نامه براي هر خرده آزمون به ترتيب ۰/۸۶، ۰/۸۱، ۰/۹۰، ۰/۹۲ بوده است و ضريب آلفاي پرسش نامه در پژوهش آسوده (۱۳۸۹) با تعداد ۳۶۵ زوج (۷۳۰ نفر) به ترتيب برابر با ۰/۶۸ (با حذف سؤال ۲۴ آلفا ۰/۷۸ مي شود)، ۰/۷۸، ۰/۶۲، ۰/۷۷ و به دست آمد. و ضريب آلفاي پرسش نامه در پژوهش اينجانب ۰/۹۷ و خرده مقياس هاي آن به ترتيب ۰/۹۵، ۰/۹۵، ۰/۷۵، ۰/۹۵ و به دست آمد.

پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني

-
- 1-Idealistic Distortion
 - 2- Marital Satisfaction
 - 3- Personality Issues
 - 4- Communication
 - 5- Conflict Resolution
 - 6- Financial Management
 - 1- Leisure Activitis
 - 2- Sexual Relationship
 - 3- Children & Parenting
 - 4- Family & Friends
 - 5- Equalitarian Roles
 - 6- Religious Orientation
 - 7- Marital Cohesion
 - 8- Marital Change

پرسش‌نامه بخشش. این مقیاس یک ابزار ۲۵ سؤالی است که برای سنجیدن بخشش بین‌فردی توسط احتشام زاده، احدی، عنایتی، و حیدری در سال ۱۳۸۹ تدوین شده است. این مقیاس ابتدا روی ۴۰۰ نفر (۲۳۷ زن و ۱۶۳ مرد) از دانشجویان دانشگاه اهواز اجرا شد. به‌منظور سنجش روایی مقیاس بخشش بین‌فردی، از اجرای هم‌زمان آن با خرده مقیاس بخشش در خانواده اصلی FFS (پولارد و همکاران، ۱۹۹۸)، خرده مقیاس پرخاشگری اهواز AAI (زاهدی‌فر و همکاران، ۱۳۷۹) استفاده شد. ضریب بازآزمایی برای کل مقیاس و خرده مقیاس‌های آن به‌ترتیب برابر ۰/۷۱، ۰/۷۰، ۰/۶۸ و ۰/۵۸ می‌باشد و ضریب آلفای پرسش‌نامه برای مقیاس کل و خرده مقیاس‌های آن به‌ترتیب ۰/۸۰، ۰/۷۷، ۰/۶۶، ۰/۵۷ می‌باشد و در پژوهش حاضر، ضریب آلفای به‌دست آمده برای کل پرسش‌نامه ۰/۹۸ و خرده مقیاس‌های آن به ترتیب ۰/۹۶، ۰/۹۱ و ۰/۹۵ می‌باشد.

یافته‌ها

در جدول شماره یک میانگین و انحراف معیار متغیرهای تحقیق در دو گروه زوجین عادی و در حال طلاق ارائه شده است.

جدول ۱.

میانگین و انحراف معیار متغیرهای رضایت زناشویی، تعارض زناشویی و بخشش در زوجین عادی و در حال طلاق

متغیر	وضعیت							
	عادی				در حال طلاق			
	مرد		زن		مرد		زن	
میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
عدم تعارض زناشویی	۱۷۶٫۴۰	۱۴٫۰۸	۱۷۴٫۵۰	۵٫۴۹	۹۹٫۳۷	۱۳٫۵۷	۹۳٫۳۷	۱۳٫۷۹
رضایت زناشویی	۱۴۲٫۴۰	۱۳٫۳۰	۱۳۶٫۸۶	۱۶٫۳۰	۷۷٫۵۸	۹٫۳۸	۶۸٫۴۲	۸٫۳۲
بخشش	۸۴٫۳۲	۹٫۸۷	۸۱٫۱۲	۱۱٫۷۹	۴۶٫۹۰	۱۱٫۰۳	۳۸٫۸۶	۹٫۲۴

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، مردان گروه عادی در مؤلفه‌ی عدم تعارض زناشویی (۱۷۶/۴۰) بیش‌ترین میانگین، و با انحراف معیار (۱۴/۰۸) می‌باشند و زنان گروه در حال طلاق با رضایت زناشویی (۶۸/۴۲) کم‌ترین میانگین و انحراف معیار (۸/۳۲) را و زنان گروه زوجین در حال طلاق در متغیر بخشش (۳۸/۸۶) کم‌ترین میانگین را دارند.

در این قسمت به بررسی یافته‌های استنباطی این پژوهش می‌پردازیم. در ابتدا t تک نمونه‌ای مورد بررسی قرار گرفت و سپس در قابلیت تحلیل واریانس از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) استفاده شد و سپس نتایج تحلیل واریانس در زوجین عادی و در حال طلاق مورد بررسی قرار گرفت.

⁹- Casta

¹⁰- Mc Crae

جداول زير از طريق آزمون t تك نمونه‌اي به دست آمد:

سؤال اول: وضعيت بخشش در زوجين چگونه است؟

جدول ۲.

آزمون t تك نمونه‌اي بخشش

شاخص	ميانگين	t	درجه آزادي	معني داري	تفاوت ميانگين
بخشودگي ۵	۲/۵۰	-۹/۳۷	۲۹۹	۰/۰۰	-۰/۴۹۱

جدول ۲ نشان مي‌دهد كه ميانگين كل نمرات بخشودگي با توجه به ($p < ۰/۰۰۱$) به طور معني داري بالاتر از ميانگين است.

دوم: وضعيت استحکام خانواده در زوجين چگونه است؟

جدول ۳.

آزمون t تك نمونه‌اي استحکام خانواده

شاخص	ميانگين	t	درجه آزادي	معني داري	تفاوت ميانگين
استحکام خانواده	۳/۱۴	۲/۴۹	۲۹۹	۰/۱۳	-۰/۱۴۳

همان طور كه از جدول ۳ مشاهده مي‌شود، به دليل آن كه سطح معني داري مشاهده شده ($P < ۰/۱۳$) مي‌باشد، تفاوت آماری معني داري را در ميانگين كل نشان نمي‌دهد.

جدول ۴.

نتايج آزمون تحليل واريانس چندمتغیره بر مؤلفه‌هاي استحکام خانواده در زوجين عادي و در حال طلاق

متغير وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادي	ميانگين مجذورات	F	سطح معني داري	توان آزمون
تعارض زناشويي	۴۶۴۸۴۱/۶۰	۱	۴۶۴۸۴۱/۶۰	۲۲۲۲/۸۷	۰/۰۰۱	۰/۸۸
رضايت زناشويي	۳۲۹۹۴۲/۰۰	۱	۳۲۹۹۴۲/۰۰	۱۹۵۳/۰۸	۰/۰۰۱	۰/۸۶
بخشش	۱۱۷۹۲۹/۰۱	۱	۱۱۷۹۲۹/۰۱	۱۴۷۱/۵۵	۰/۰۰۱	۰/۸۳

مطابق مندرجات جدول ۴ چنين استنباط مي‌شود كه تفاوت گروه‌هاي مورد مطالعه (زوجين عادي و در حال طلاق) در زير مؤلفه‌هاي استحکام خانواده و بخشش در سطح ($p < ۰/۰۰۱$) معني دار است و زوجين عادي مؤلفه‌هاي استحکام خانواده بيش تری نسبت به زوجين در حال طلاق دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه رضایت زناشویی، تعارض زناشویی و گذشت در زوجین عادی و در حال طلاق صورت گرفت. یافته‌ها حاکی از تفاوت معنادار در متغیرهای مذکور در دو گروه مورد بررسی بود. نتایج به‌دست آمده نشان داد که میانگین نمرات رضایت زناشویی، تعارض زناشویی و گذشت در بین دو گروه تفاوت معنی‌داری دارد. به نحوی که هر یک از متغیرهای رضایت زناشویی، تعارض زناشویی و گذشت در زوجین عادی بیش‌تر از زوجین در حال طلاق است.

نتایج به‌دست آمده نشان داد میانگین کل نمرات بخشش و مؤلفه‌های آن دارای تفاوت معنی‌داری است، از پژوهش‌های مشابه با پژوهش حاضر می‌توان به پژوهش جکسون (۱۹۹۸)؛ به‌نقل از خدایاری فرد، (۱۳۸۱) تأثیر بخشش را بر صمیمیت و اعتماد در روابط زناشویی، دریافت که به‌کار بردن بخشش در روابط جاری تأثیر معنی‌داری در میزان اعتماد و صمیمیت در روابط میان‌فردی دارد، اشاره کرد.

همچنین این یافته‌ها با نتایج پژوهش گوردون، بوکوم و اسنیدر (۲۰۰۹) که نشان داده است، بخشودگی زوج‌ها به‌صورت معنی‌داری با رضایت زناشویی و عملکرد زوج‌ها در زندگی رابطه دارد همسو می‌باشد که در پژوهش حاضر رضایت زناشویی یکی از مؤلفه‌های استحکام خانواده است.

نتایج پژوهش فینچام و همکاران (۲۰۰۷) نشان داد که زنانی که در عامل بخشودگی نمره بالایی داشتند، همسران آن‌ها میزان تعارضات کم‌تری را گزارش کردند. در این پژوهش نیز، علت کاهش تعارضات زناشویی را بالا بودن میزان بخشودگی زوجین می‌داند و از آن‌جایی که تعارض زناشویی یکی از مؤلفه‌های استحکام خانواده در پژوهش حاضر می‌باشد، پژوهش حاضر با پژوهش فینچام و همکاران همسو بود.

همچنین سپاه منصور و مظاهری (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان مقایسه مؤلفه‌های صمیمیت بین افراد متأهل دارای رضایت و عدم رضایت زناشویی، که بر روی ۵۰ زوج مراجعه‌کننده به مراکز خدمات مشاوره‌ای انجام شده بود، مطرح کردند که افزایش صمیمیت و لذت در تعاملات زوجین می‌تواند موجب رضایت بیش‌تر در روابط زناشویی گردد.

افشاری منفرد (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان بررسی وضعیت صمیمیت و محبت زناشویی از بین گروهی از زوجین شهر تهران به این نتیجه رسید که کاهش صمیمیت و محبت به هم، موجب طلاق و ازدواج مجدد و عدم رضایت زناشویی می‌شود، همچنان که در پژوهش حاضر نیز، میزان صمیمیت زناشویی در زوجین عادی بیش‌تر از زوجین در حال طلاق گزارش گردید.

چندین مطالعه دیگر، ارتباط مثبت میان رضایت زناشویی و بخشش را نشان دادند (فینچام، ۲۰۰۰، کاجدورین و همکاران، ۲۰۰۴؛ پالیری و همکاران، ۲۰۰۵). اگرچه ساز و کار زیر بنایی ارتباط میان بخشش و رضایت نامعلوم

است، مک کالو (۱۹۹۸) پیشنهاد کرد اعتراف و معذرت خواهی در روابط صمیمانه منجر به افزایش احتمال بخشش می‌شود.

در خصوص تبیین این یافته، مبنی بر بیش‌تر بودن میزان صمیمیت، گذشت و استحکام خانواده در زوجین عادی نسبت به زوجین در حال طلاق می‌توان عنوان کرد که یکی از مهم‌ترین عوامل زندگی زناشویی موفق وجود صمیمیت زناشویی است. فردی که میزان صمیمیت بالاتری را تجربه می‌کند قادر است خود را به شیوه مطلوب-تری در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شیوه مؤثرتری به شریک و همسر خود ابراز کند. رضایت زناشویی می‌تواند در زوج‌هایی که میزان صمیمیت بالاتری دارند، بیش‌تر باشد (پاتریک، سلز، گیوردانو و فولراد، ۲۰۰۷)، و به‌عبارتی، زوج‌هایی که صمیمیت بالاتری دارند قابلیت بیش‌تری در میزان بخشش خطاهای یکدیگر داشته باشند و در نتیجه میزان تعارض کم‌تری را گزارش خواهند نمود. در حالی که بخشش ابزاری مهم برای حفظ روابط پایدار و دراز مدت است (ریپلی، ۲۰۰۲). بخشش به زوج‌ها برای مقابله با مشکلات موجود و پیشگیری از بروز آن‌ها در آینده کمک می‌کند ورثینگتون و دیبلاسیو، ۱۹۹۰). در مقابل، زوجین در حال طلاق، اکثراً یکی از مهم‌ترین دلایل برای درخواست طلاق خود را بی‌توجهی یا کم‌توجهی همسر و به‌عبارتی صمیمیت کم، و روابط سرد و عاری از محبت و صمیمیت اعلام می‌کنند.

در تبیین این نتایج می‌توان گفت که چنین همسرانی در رابطه با یکدیگر صمیمیت نداشته، نمی‌توانند برای ارضای نیازهای خود بر دیگری (همسرش) تکیه کنند و از رابطه شان لذت نمی‌برند. نیاز به صمیمیت و ارزشمند بودن بین زن و شوهر ارضا نمی‌شود و زوجین در جریان ارتباط خود و به‌هنگام بروز مشکلات حامی یکدیگر نیستند. با وجود اینکه تمامی ازدواج‌ها به نوعی سرخوردگی را تجربه می‌کنند اما بسیاری از این ازدواج‌ها با کیفیت پایین ادامه یافته و زندگی متأهلی بی‌ثباتی را تشکیل می‌دهند که متمایل به فروپاشی است و اگرچه ممکن است لزوماً به طلاق منجر نشود ولی مسلماً با فراوانی افکار و تصورات درباره جدایی همراه خواهد بود. فرسودگی زمانی ظاهر می‌شود که زوج متوجه می‌شوند با وجود تمام تلاشی که کرده‌اند، این رابطه به زندگی شان هیچ معنا و مفهوم خاصی نداده و هرگز نخواهد داد. انباشته شدن فشارهای روانی تضعیف‌کننده عشق، افزایش تدریجی خستگی و یکنواختی و جمع شدن رنجش‌های کوچک به بروز فرسودگی کمک می‌کند. از آنجا که افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی، قادر به برقراری روابط عمیق و صمیمی با یکدیگر نیستند، بنابراین از ارتباط زناشویی خود رضایت پایین‌تری دارند و تعارض‌های میان فردی بیشتری را به خصوص در رابطه با همسر خود تجربه می‌کنند که خود یک عامل قوی و زمینه‌ساز برای فرسودگی زناشویی است.

براساس نتایج مؤلفه‌های استحکام خانواده و مؤلفه‌های بخشش در دو گروه زوجین تفاوت معنی‌داری یافت شد به-نحوی که میانگین مؤلفه‌های استحکام خانواده و مؤلفه‌های بخشش در زوجین عادی بیش‌تر از زوجین در حال طلاق یافت شد. هم‌چنین همراه با بررسی پژوهش‌های مطرح شده، صحت‌های بر این حقیقت است که گذشت و

استحکام در خانواده، از جمله مهم‌ترین ارکان زندگی انسان‌ها، نقش مهمی در روابط زناشویی داشته و عدم توجه به آن تأثیرات زیان‌باری از جمله اضمحلال خانواده‌ها را در پی خواهد داشت.

در راستای نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های بعدی در انتخاب زوجین معیارهایی همچون سطح سواد بالاتر از دیپلم، داشتن حداقل ۲ سال سابقه زندگی مشترک و داشتن حداقل یک فرزند لحاظ گردد. در طرح‌های پژوهشی آینده این پژوهش در استان‌های مختلف انجام گردد و مورد مقایسه قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود اثربخشی صمیمیت و گذشت بر روی زوجین دارای تعارض زناشویی کار شود و نیز در آموزش‌های پیش از ازدواج تمرین‌ها و مهارت‌های گذشت و صمیمیت به زوجین آموزش داده شود.

سپاس و قدردانی. نویسندگان مقاله مذکور از کلیه زوجین شرکت کننده در پژوهش کمال تشکر و قدردانی را دارند.

منابع

- فشاری منفرد، زهرا، ۱۳۸۱، بررسی وضعیت زناشویی در بین گروهی از زوجین شهر تهران، دومین کنگره روان-شناسی بالینی ایران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- باباپور خیرالدین، جلیل، ۱۳۸۵، بررسی بین شیوه حل مسئله، شیوه حل تعارض و سلامت روان-شناختی در میان دانشجویان، رساله دکتری، دانشگاه تربیت معلم.
- خدایاری فرد، محمد، ۱۳۸۰، مقایسه‌ی ارتباط نگرش مذهبی و رابطه پدر- فرزند با سازگاری اجتماعی در فرزندان جانباز و عادی شهر تهران، مجله روان‌شناسی شماره ۳۲، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- سپاه منصور، مهدی؛ مظاهری، محمد، ۱۳۸۵، مقایسه مؤلفه‌های سبک‌های عشق بین افراد متأهل دارای رضایت و عدم رضایت زناشویی، چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران، ص ۲۱۷.
- نوری، انورالسادات، ۱۳۸۹، عوامل تضعیف استحکام خانواده، فصلنامه‌ای در عرصه‌ی مطالعات زنان و خانواده، سال سوم، شماره ششم، تابستان ۱۳۸۹.

Alemand, M., Amberg, I., Zimprich, D., Fincham, F. D. 2007. The role of trait forgiveness and relationship satisfaction in episodic forgiveness. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 26(2): 199- 217.

Coi, J., Wat. N., West. S., Hawkins., Asarnow. J., Markman, H., Ramey, S., Shure, M., and Long, B. 1993. The science of prevention: A Conceptual Framework and some directions for a national research program. *American Psychology and Psychiatry*. 48: 1013- 1022.

- Fincham, F. D. 2000. The kiss of the porcupines: from attributing responsibility to forgiving, *Personal Relationship* 7: 1- 23.
- Fincham, F.D. 2004. Forgiveness and conflict resolution in marriage, *Journal of Family Psychology*, Vol. 18, N. 1: 72- 81.
- Fincham, F., Beach, S. 2002. Forgiveness in marriage: Impliations for psychological agnation and constructive communication. *Personal Relationship*, 9: 239- 257.
- Fincham, F. D., Hall, J., & Beach, S. R. 2006. Forgiveness in Marriage: Current Status and Future Directions- *Family Relation Journal*, 55: 415- 427.
- Finchan, F., Paleri, G., Recalia, C. 2002. Forgiveness in marriage: the role of relationship quality, attributions, and empathy. *Personal Relationship*, 9: 23- 37.
- Fincham, F.D. Beach, R. H., Davilla, J. 2004. Loongi. Tudinval. Relations between forgiveness and conflict resolution in marriage. *Journal of Family Psychology*, 21, 3: 542- 545.
- Fowers, B. J. Olson, D. H. 1992. Four types of premarital couples: An empirical typology based on PREPARE. *Journal of family psychology*, 6, 1, 10- 21.
- Gordon, K. C, Baucom, D. H & Snyder, D. K, 2009. Victims as narrative crisis factors influencing rejoinders and evaluative responses to offender s accounts, *Personality and Social Psychology Bullitin*, 20 (6), 691-704.
- MacCullough, M. E, Browne, M. W & Sugawara, H. M, 1996. Power Analysis and Determination of SampleSize for Covariance Structure Modeling, *Psychological Methods*, 1(2), 130-49.
- MacCullough, M. E, Worthington, E. L, Jr & Rachal, K. C, 1997. Interpersonal forgiving in close relationship, *Journal of Personality and Social Psychology*, 73, 321-33
- MacCullough, M. E, 1998. An annotated bibliography of research on forgiveness and related concepts. *Psychological research and theological speculations*, Philadelphia: The Templeton Foundation Press.
- Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G. ., Tollerud, T. R. 2007. Intimacy, differentiation, and personality variables as predictors of marital satisfaction. *The Family Journal*, 15: 359- 367.

- Shachelford, T. K., Besser, A. & Goetz, A. T. 2010. Personality, marital satisfaction, and marital infidelity. *Individual Differences Research*, 6 ,1, 13- 25.
- Tersa., Maria., Vinsonneau., Genevieve., Neto., Felix., Girard., Michel., Etienne. 2003. Forgiveness and Satisfaction with life, *Journal Of Happiness studies*, 4: 323- 335.

